

تحلیلی بر

هنرهای سنتی و صنایع دستی



بی شک هنرهای سنتی و صنایع دستی نقش مهمی در رفع نیازهای کاربردی – مصرفی و همچنین نیازهای روحی – روانی انسان ها در ادوار تاریخ داشته اند .

و این مهم را تاریخ چند هزار ساله بشر چه قبل از تاریخ و چه در ادوار تاریخ بوضوح نشان می دهد . ابزار و ادواتی که هر کدام به نوعی بیانگر نیازهای جوامع در مقاطع مختلف زندگی بوده و هستند . محصولاتی که برخی مواقع با هنر توأم گشته اند و وجود هنر در آنها سبب گردیده تا آن ابزار و ادوات دارای یک بار فرهنگی خاص گردند و گاهی مواقع بدون تاثیر پذیری از هنر تولید شده اند که بیانگر یک نیاز مصرفی روزانه بوده است .

لذا برای درک عمیق تر از مفاهیم هنرهای سنتی و صنایع دستی ابتدا می بایست تفکیکی میان این نوع تولیدات و همچنین تولید کنندگان آنها صورت گیرد و مفاهیم هر یک بطور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شود .

از این رو به جنبه های مختلف هنر ، هنرمند ، صنعتگر ، صنایع دستی ، هنرهای سنتی و کار دستی در این حوزه می پردازیم .

✱ هنر

هنر در واقع اوج اندیشه های درونی انسان است .

اندیشه هایی که نشأت گرفته از آداب ، رسوم ، اعتقادات و باورها ی فردی باتاثیر پذیری از عوامل محیطی جامعه می باشد .

در واقع هنر ، عنصری است که نه حد و مرز جغرافیایی را می شناسد و نه رنگ ، و پوست و زبان و نژاد

عنصر هنر ، از روز ازل در درون هر انسانی که پا به عرصه حیات می گذارد وجود دارد .
و این انسان است که با تلاش و کوشش و پشتکار از این عنصر درونی بهره می گیرد و یا با رها کردن
آن خود را از فوایدش بی بهره می سازد .

سرچشمه هنر در اصل یک اندیشه و تخیل است ، اندیشه و تخیلی که در مغز و ذهن انسان ایجاد می گردد
اما وجود خارجی ندارد و تا زمانی که این اندیشه و تخیل به فعل در نیاید هنر ظهور نخواهد کرد .

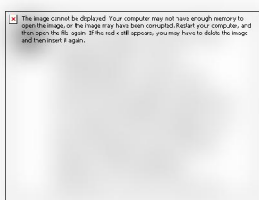
پس می توان هنر را چنین توصیف کرد :

هنر ، فعالیتی است که ذهن و مغز انسان انجام می دهد تا یک موضوع تخیلی را به یک موضوع واقعی
تبدیل کند .

از آنجایی که هنر در درون انسان جوشش می یابد احساس نقش مهمی در آن دارد .

نقش احساس در هنر بگونه ای است که می توان آن را خمیر مایه هر کار هنری دانست .

✱ هنرمند



هنرمند ، انسانی است که به اندیشه ها و تخیلات درونی خود واقعیت می بخشد .

واقعیت بخشیدن به اندیشه ها و تخیلات درونی مستلزم بکار گیری استعداد ، تلاش و پشتکاری است که
هنرمند از آن ها بخوبی بهره می گیرد .

هر چند این تلاش با سختی ها و شکست های بسیار توأم باشد اما پشتکار هنرمند راز موفقیت اوست .

هنرمند یک انسان ابداعگر و خلاق است .

ابداع گر و خلاق که با استعداد ، تلاش و پشتکار خود به تخیلات درونیش رنگ واقعیت می بخشد .

او چیزی را خلق می کند که تا کنون نبوده است و اگر هم بوده بدینگونه نبوده است .

پس می توان هنرمند را یک خالق نامید ، خالق اثری که نقشی خاص در زندگی دیگر انسان ها دارد .

این نقش می تواند یک نقش کاربردی در جهت رفع نیازهای روزمره زندگی انسان ها داشته باشد و یا نقشی

در جهت رفع نیازهای احساسی و روحی آنها .

مهم تر از اثر ، نتیجه آن است ، نتیجه ای که منجر به رفع نیازی از انسان گردد .

✱ صنعتگر



د ، تلاش و پشتکار خود توانسته

، که قبلاً ایجاد گردیده است .

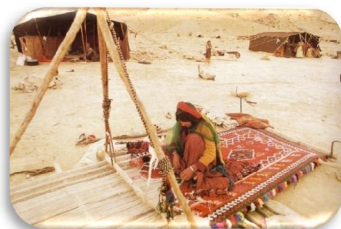
،

نمی باشد .

ست .

صنعتگر انسانی است که اثری را که هنر
تخیلی را به واقعیت تبدیل کند ، به تولید اند
در واقع صنعتگر خلاق نیست بلکه یک تو
صنعتگر بیشتر از توانایی های ابزاری خو
البته این عدم استفاده از اندیشه ها دلیلی بر
چرا که صنعتگر به واقع ادامه دهنده هدف

❁ صنعتگر هنرمند



صنعتگر هنرمند ، انسانی است که نه تنها از اندیشه هایش در خلق یک اثر بهره می گیرد بلکه در تولید
انبوه آن نیز تلاشی بی وفقه دارد .

تلاشی که با بهره گیری از هنر و صنعت منجر به تولید یک محصول صنایع دستی می گردد .

❁ چگونه یک صنعتگر می تواند هنرمند گردد

اما چگونه یک صنعتگر می تواند یک هنرمند گردد ؟

بیانید سفال گری را در نظر بگیریم که تندیس از یک گاو املش را می سازد . او کیست ؟

او یک صنعتگر است که تندیس را که قبلاً با تفکرات والای یک هنرمند ابداع شده مجدداً تولید کرده است .

حال چنانچه این صنعتگر با ظرافتی خاص و مثال زدنی این تندیس را بسازد او کیست ؟

او یک صنعتگر ماهر و زیر دست است که تندیس را که قبلاً با تفکرات یک هنرمند ابداع شده با مهارت

و زیبایی هر چه تمام تر مجدداً ساخته است .

اکنون فرض کنیم که این صنعتگر در حین ساختن این تندیس با استفاده از تفکرات و اندیشه های درونی خود تغییراتی در آن اعمال کند ، تغییرات که نه تنها باعث از بین نرفتن ارزش آن اثر گردد بلکه ماهیتی پویا تر به آن داده شود . او کیست ؟

او یک صنعتگر هنرمند است که هر چند تندیس ابداعی از یک هنرمند را تولید کرده اما با اندیشیدن و اعمال تفکرات خود که منطبق با رعایت فرهنگ و محیط اجتماعی بوده تغییری در آن ایجاد نموده که سبب گردیده تندیس بیانگر مفاهیم جدیدی گردد .

پس می بینیم که برای هنرمند شدن می بایست اندیشید و از این اندیشه ها در تولید استفاده نمود .

اما اینجا یک سؤال مهم وجود دارد آیا هر اندیشه ای می تواند منشأ هنرمندی باشد .

از آنجایی که تعاریف صنعتگر و هنرمند در حوزه هنرهای سنتی و صنایع دستی مورد تحیل قرار می گیرد و هنرهای سنتی و صنایع دستی دارای تعاریف خاصی می باشند لذا با استناد به این تعاریف می توان گفت : اندیشه ای در این حوزه منجر به خلق یک هنرمند می گردد که بتواند با رعایت فرهنگ جامعه ، نیازی از انسان را چه از نظر زندگی روزمره (کاربردی - مصرفی) و چه از نظر احساسی (هنری) مرتفع سازد .

✱ هنرهای سنتی و صنایع دستی



اما تعاریف هنرهای سنتی و صنایع دستی و وجه تمایز و اشتراک آنها.

با توجه به نقش مهم و حیاتی که تولیدات صنایع دستی در فعالیت های فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی جوامع مختلف ایفا می کنند و این تولیدات نه تنها نقش مهمی در رهایی مردم ، خصوصاً مردم کشورهای جهان سوم و کم توسعه یافته از فقر ، بلکه کمک بزرگی به دولت ها چه دولت های جهان سوم و چه دولت های پیشرفته جهان اول از نظر توسعه اقتصاد ملی و ارز آوری دارند سازمان های مهم جهانی همچون سازمان یونسکو ، سازمان بین المللی کار ، برنامه توسعه ملل متحد و مطالعات تاریخی - هنری و فرهنگی ، و ... چنان حساسیتی بر اینگونه تولیدات دارند که در راستای توسعه آنها و منطبق با آموزش های صحیح ، برنامه ریزی های جامعی ارائه نموده اند .

تعاریفی که برای هنرهای سنتی و صنایع دستی صورت گرفته با توجه به چند ویژگی مهم مطرح گردیده است .

- 1- انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به وسیله دست یا ابزار دستی .
- 2- تاثیر اندیشه خلاق انسان در تولید و شکل بخشیدن به محصولات و امکان ایجاد تنوع و پیاده کردن طرح های مختلف .
- 3- امکان تامین قسمت عمده مواد اولیه مصرفی از منابع داخلی .
- 4- داشتن بار فرهنگی (استفاده از طرح های اصیل ، بومی و سنتی) .
- 5- بی نیازی به سرمایه گذاری زیاد جهت تولید در مقایسه با تولیدات صنایع دیگر .
- 6- بالا بودن ارزش افزوده آن در مقایسه با تولیدات صنایع دیگر .
- 7- امکان ایجاد و توسعه آنها در مناطق مختلف شهری ، روستایی و مناطق عشایری .
- 8- همانند و شبیه نبودن اینگونه تولیدات .
- 9- امکان انتقال تجربیات و آموزش رموز و فنون ساخت تولیدات به صورت سینه به سینه و طبق روش استاد شاگردی .

اما باید دید آیا تمام این ویژگی ها می بایست هم برای هنرهای سنتی و هم برای صنایع دستی مد نظر قرار داد و یا باید آنها را تفکیک کرد .

مطمناً همه این موارد نمی توانند هم شامل هنرهای سنتی و هم شامل صنایع دستی قرار بگیرند بلکه باید تفاوت های هنرهای سنتی و صنایع دستی را با توجه به کاربردهایشان و همچنین ویژگی های خاص خود مورد بررسی قرار داد .

با این تفصیل شاید مناسب باشد برای هر کدام تعاریفی جدا و با در نظر گرفتن ماهیت های واقعی آنها از نظر کاربردی – هنری داشته باشیم .

✱ الف : هنرهای سنتی صنایع دستی

برخی از تولیدات صنایع دستی به سبب ریشه داشتن در سنت و تاثیراتی که برگرفته از اوضاع جغرافیایی ، مذهبی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی منطقه تولید می باشند آنها را هنرهای سنتی صنایع دستی می نامند و این تولیدات به گونه ای بیانگر تاریخ ، تمدن و فرهنگ شهر ، منطقه یا کشوری از گذشته های دور تا کنون می باشند .

از طریق بررسی همین تولیدات هنرهای سنتی صنایع دستی کشف شده بود که باستان شناسان موفق شدند به تاریخ تمدن بشر و مراحل شکل گیری این تمدن ها پی ببرند .

اما محصولات هنرهای سنتی صنایع دستی می بایست دارای چه ویژگی هایی باشند ؟

1- با توجه به اینکه اولویت اینگونه تولیدات ابتدا در معرفی سنت های گذشته های دور و سپس داشتن ماهیت صنایع دستی می باشد لذا حتماً می بایست بگونه ای معرف فرهنگ کهن قومی ، منطقه ای و یا کشور باشند .

به همین دلیل داشتن بار فرهنگی اصیل و کهن از الزامات اینگونه تولیدات می باشد .
فرهنگی که یا با نوع کاربری آن در گذشته ارتباط داشته باشد و یا از طرح و نقشی بهره برده باشد که بازگو کننده آداب ، رسوم ، اعتقادات و حتی نحوه زندگی مردم در گذشته چه از نظر اجتماعی ، سیاسی ، مذهبی و یا تاریخی باشند .

2- دومین ویژگی که این تولیدات باید داشته باشند تهیه آن ها توسط دست یا ابزار دستی است .
این ویژگی بیانگر آن است که انسان قادر می باشد تا با بهره گیری از توانایی های جسمانی خود محصولی بسازند که در حین زیبایی در رفع نیاز زندگی بشر چه از نظر کاربردی و چه از نظر هنری مورد استفاده قرار گیرد .

3- تاثیر اندیشه خلاق انسان در تولید محصول
استفاده از طرح ها ، نقوش و همچنین حالت دادن به محصول جهت تهیه کالاهایی متفاوت بیانگر نقش تفکر سازنده در خلق اثر می باشد .

خلق اثری که سازنده نه تنها از قدرت و توانایی جسمی خود در تهیه آن بهره گرفته بلکه از تفکرات و اندیشه های درونیش نیز برای هر چه زیباتر شدن و یا مفهومی تر شدن آن استفاده نموده است .

4- امکان ایجاد و توسعه آن در مناطق مختلف
محصولات هنرهای سنتی صنایع دستی با توجه به نیازهای انسان ها در مناطق مختلف بوجود آمدند لذا این محصولات که از دو عنصر اصلی یعنی عنصر مادی که همانا مواد اولیه است و عنصر روحی که حس درونی سازنده در شکل دادن به محصول می باشد می بایست بگونه ای باشد که امکان تولید آن در هر مکانی چه شهر ، چه روستا و چه مناطق عشایری فراهم بوده تا بتوان بدون هیچگونه محدودیتی آنها را تولید نمود .

5- استفاده از مواد اولیه بومی
از دیگر ویژگی هایی که مختص محصولات هنرهای سنتی صنایع دستی است بهره گیری از مواد اولیه بومی است .

چرا که در گذشته انسان ها با توجه به مشکلات و سختی های حمل و نقلی ، با داشته های خود در محیط زندگی شان ، مبادرت به تهیه محصولات مورد نیاز می کردند .
و همین عامل سبب گشته بود تا محصولات هر منطقه منحصر به همان منطقه باشد و بگونه ای معرف قوم و ملتی گردند .

6- امکان انتقال تجربیات تولید اینگونه کالاها به صورت استاد شاگردی .

از آنجائیکه محصولات هنرهای سنتی صنایع دستی برگرفته از نیازهای ضروری زندگی مردم در گذشته بودند و این نیازها با استفاده از مواد اولیه بومی هر منطقه و توانایی های جسمانی و اندیشه های خلاق سازنده بوجود می آمدند و روش های ساخت بعضاً بسیار ساده و بدور از قواعد پیچیده ماشینی و آزمایشگاهی امروزی بودند لذا امکان انتقال این تجارت در ساخت به راحتی و صرفاً با تمرین و دقت از مادر به دختر و از پدر به پسر و یا از استاد به شاگرد میسر می گشت .

❁ ب : صنایع دستی

اکنون ببینیم یک محصول صنایع دستی می بایست دارای چه ویژگی هایی باشد .

1- انجام قسمت اساسی محصول با دست یا ابزار دستی .

مطمئناً محصولات صنایع دستی می بایست با دست یا ابزار دستی تهیه گردیده باشند اما از آنجائیکه امروزه ما در دنیایی زندگی می کنیم که پیشرفت تکنولوژی سبب گردیده بسیاری از کارهایی که زمانی با دست صورت می گرفت و بسیار زمان بر و سخت و طاقت فرسا بودند با کمک دستگاه های صنعتی براحتی صورت گیرند لذا می توان از این دستگاه ها در تولیدات استفاده نمود . اما چگونه می توان از توانایی ها و امکانات این دستگاه ها در تهیه محصولات صنایع دستی استفاده نمود که به ماهیت آن لطمه وارد نگردد .

از آنجائیکه یکی از ویژگی های محصولات صنایع دستی تاثیر خلاقیت های درونی سازنده است لذا بهره گیری از این دستگاه ها در تهیه مواد اولیه (همچون ورز دادن گل سفال و کاشی های هفت رنگ و معرق کاشی یا برش چوب های خاتم و معرق و ...) که چندان تاثیر خاصی در خلاقیت های سازنده ندارد و تهیه آنها با دست بسیار زمان بر و سخت می باشد بلا مانع است .

اما استفاده از این ابزار در شکل دادن محصول که می بایست برگرفته از اندیشه های درونی و توانایی های جسمانی سازنده باشد مجاز نیست (همچون استفاده از ابزار و دستگاه های صنعتی دندان پزشکی در پیکر تراشی چوب و ...) .

2- استفاده از مواد اولیه طبیعی

امروزه تکنولوژی انسان را قادر ساخته تا بسیاری از مواد طبیعی را به صورت مصنوعی تهیه نماید (هم چون صدف های مصنوعی که با استفاده از رزین ها و رنگ های صنعتی تهیه می شوند و در تابلوهای معرق بکار می روند و یا ورق های پلاستیک خشک که برای استفاده در خاتم سازی و قرار گرفتن بجای استخوان کاربرد یافته اند) استفاده از این مواد طبیعتاً به ماهیت اصلی محصولات صنایع دستی اثر منفی می گذارد لذا محصولاتی که با استفاده از این مواد تهیه می گردند نمی توان در طبقه بندی کالاهای صنایع دستی اصیل قرار داد .

اما استفاده از مواد اولیه بومی :

تغییراتی که با گذشت زمان چه در وضعیت جغرافیایی و چه در جوامع مختلف بوجود آمده سبب گردیده که برخی از منابع مواد اولیه در یک منطقه ، دیگر وجود نداشته یا کیفیت آنها تغییر یافته باشد و یا مهاجرت عشایر و یک جا نشینی آنها باعث شده تا دسترسی آنها به مواد اولیه بومی خود کمتر گردد و همچنین پیشرفت حمل و نقل در انتقال مواد اولیه طبیعی و مرغوب از یک منطقه به منطقه دیگر سبب گردیده دیگر نتوان بومی بودن مواد اولیه را از ویژگی های محصولات صنایع دستی برشمرد (چنانچه امروزه بسیاری از بافندگان ایرانی از پشم های مرغوب و با کیفیت مرینوس که یک پشم خارجی است استفاده می کنند) .

3- داشتن بار فرهنگی

نظر به اینکه به مرور زمان تغییراتی در سلايق و نحوه زندگی مردم بوجود می آید لذا این تغییرات مستقیماً در فرهنگ ها تاثیر گذاشته و به طبع آن طرح ها و نقوش جدیدی که معرف فرهنگ جدید هستند ابداع و رایج می گردند لذا بار فرهنگی محصولات صنایع دستی از نظر طرح و نقش نمی تواند صرفاً بر اساس طرح ها و نقوش اصیل و سنتی گذشته ارزیابی نمود بلکه چنانچه این طرح ها منطبق با فرهنگ ما (چه فرهنگ گذشته و چه فرهنگ جدید) باشند می توان آنها را بعنوان بار فرهنگی برشمرده .

4- بی نیازی به سرمایه گذاری زیاد

مطمئناً یکی از مزایای تولیدات صنایع دستی که نقش مهمی در اقتصاد خانواده نیز دارد مناسب بودن قیمت تمام شده آنهاست .

قیمت مناسبی که هم به تولید کننده کمک می کند بدون نیاز به سرمایه گذاری زیاد به ساخت محصولات مبادرت ورزد و هم به خریدار تا از آن کالاها در رفع نیاز وسایل روزمره زندگی خود بهره جوید .

5- ارزش افزوده محصولات صنایع دستی

ارزش بیشتر محصولات صنایع دستی نه به دلیل مواد اولیه گران قیمت آن بلکه به سبب اندیشه های درونی سازنده است که به شکلی هنری بر روی تولیدات ایجاد می گردد .

لذا این محصولات با توجه به قیمت پایین مواد اولیه خود با قیمت های مناسب تولید و با قیمت بالایی به فروش می رسند که خود بیانگر ارزش افزوده آنهاست .

6- امکان ایجاد آن در مناطق مختلف

بیشتر تولیدات صنایع دستی قابلیت اجرا در هر منطقه شهری ، روستایی و عشایری را دارند و امروزه با تغییرات زیادی که در نوع زندگی اجتماعی مردم ایجاد شده و فضاها و محیط های زندگی کوچک و کوچک تر گردیده اند لذا این قابلیت تولید محصولات صنایع دستی در هر فضا و مکانی از ویژگی های بارز آن محسوب می گردد .

7- متفاوت بودن تولیدات

از آنجائیکه انسان موجودی با احساس است و این احساس در هر زمان و با هر اتفاق تغییر می یابد لذا هیچ انسانی را نمی توان یافت که دارای احساسی ثابت در زمانی طولانی باشد .
و نظر به اینکه در تولید محصولات صنایع دستی احساس نقش مهمی ایفا می کند لذا احساس های مختلف سازنده در زمان های مختلف بر این تولیدات تاثیر می گذارد و سبب می شود تولیدات یک سازنده دقیقاً همانند و شبیه یکدیگر نگردند .
به همین دلیل می توان همانند و شبیه نبودن تولیدات یکی دیگر از ویژگی های محصولات صنایع دستی برشمرد .

8- انتقال تجربیات و آموزش به صورت استاد شاگردی

نظر به اینکه ساختار بیشتر محصولات صنایع دستی مبتنی بر اصولی ساده می باشد لذا می توان بدون نیاز به آموزش های طولانی و آکادمیک این تجربیات را از مادر به دختر ، از پدر به پسر و از استاد به شاگرد انتقال داد .

9- ایجاد اشتغال

محصولات صنایع دستی با توجه به ویژگی های خاصی که دارند می توانند برای همه افراد در هر سن و موقعیت اجتماعی و مکانی با آموزشی ساده ایجاد اشتغال نمایند .
نقش این اشتغال چه به صورت شغل اصلی و چه به صورت تفریحی و پاره وقت تاثیر بسیاری در اقتصاد خانواده و حتی جامعه ایفا می نماید .

*** کاردستی**

کاردستی ها محصولاتی هستند که نه متکی به سنت ها می باشند و نه از تمام ویژگی های صنایع دستی تبعیت می کنند ، اما در بیشتر این محصولات ، هم کاربردی بودن و هم هنری بودن را می توان دید .
یعنی محصولاتی هستند که بگونه ای می توانند در ایجاد اشتغال بسیاری از جوانان مثر ثمر باشند .
هر چند این ایجاد اشتغال زمانی عملی می گردد که سازمان یا نهادی با ارائه چارچوب های منطقی و سوق دادن آنها به یک هدف مشخص از این تولید کننده گان حمایت نماید .
اما ویژگی های این نوع تولیدات چیست ؟

1- استفاده از هر نوع مواد طبیعی و مصنوعی .

2- بکار گیری ابزار دستی و صنعتی در بخشی و یا تمام مراحل تولید .

3- استفاده از هر گونه طرح و نقش در زیبا سازی محصولات .

4- الگو برداری از یک طرح مادر در تولید انبوه .

5- قیمت پایین تمام شده محصول و قیمت فروش مناسب آن .

6- سادگی در فراگیری روش تولید .

7- ایجاد اشتغال جهت افراد در هر سن و موقعیت اجتماعی .

✱ اثرات محصولات صنایع دستی بر اقتصاد جوامع

با توجه به اینکه محصولات صنایع دستی نشأت گرفته از فکر خلاق و اندیشه و تفکر سازنده با بهره گیری از شرایط اقلیمی و آداب و رسوم می باشند لذا هنرهایی هستند که بخاطر کاربرد آن ها در رفع نیاز روزمره زندگی (مصرفی بودن) با صنعت توأم گشته و نتیجتاً صنایع دستی را **هنر - صنعت** می نامند .
لذا برای پی بردن به مفهوم دقیق و تاثیرگذاری صنایع دستی بر جوامع مختلف ابتدا می بایست به مفاهیم هنر و صنعت پی برد .

هنر :

همچنانکه قبلاً اشاره گردید هنر تبلوری است از اندیشه ها و تفکرات درونی انسان که با بهره گیری از توانایی های جسمانی به فعل می رسد .
در واقع تاریخ هنر هر ملت ، نمودی از استعدادها ، اندیشه ها ، پایدارها ، پشتکارها و توانایی های آنان است که این ها همه نشأت گرفته از اوضاع و تاثیرات جغرافیایی ، مذهبی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی آن مرز و بوم می باشد .

صنعت :

صنعت را به زبانی ساده می توان چنین توصیف کرد :
تغییراتی که بشر به کمک دستگاه هایی در مواد طبیعی می دهد تا بهتر و بیشتر از آن ها استفاده گردد .
امروزه صنعت را در جوامع مختلف به چهار گروه تقسیم می کنند که هر کدام ویژگی های خاص خود را دارند .

- 1- صنایع سنگین .
- 2- صنایع سبک .
- 3- صنایع کوچک .
- 4- صنایع دستی .

اما بیانید برای پی بردن به تفاوت ها و ویژگی های این صنایع 4 آئتم مهم آنها را یعنی مکان ، تجهیزات ، سرمایه و نیروی انسانی با یکدیگر مقایسه کنیم .

الف : صنایع سنگین

این صنایع با توجه به نقش مهم و حیاتی که در توسعه و پیشرفت کشورها دارند و مواد اولیه بیشتر صنایع را تامین می کنند آن را **صنایع مادر** می نامند .

صنایع سنگین با توجه به نوع تولیداتشان نیاز است که حتماً در مناطق خاصی که دارای مواد اولیه مورد نیازشان وجود دارد احداث شوند .

برای ایجاد صنایع سنگین نیاز به

- ▶ مکانی وسیع و خاص می باشد .
 - ▶ ابزار ، وسایل و تجهیزات بسیار زیاد نیاز دارد .
 - ▶ به سرمایه گذاری هنگفت جهت تاسیس و راه اندازی نیاز می باشد .
 - ▶ به نیروهای متخصص و کارگرهای بسیار نیاز دارد .
- صنایعی مانند : صنایع پتروشیمی – صنعت نفت و گاز – صنایع ذوب آهن و ...

ب : صنایع سبک

این صنایع معمولاً شامل کارخانجات می گردند و بیشتر مواد اولیه مورد نیاز خود را از صنایع سنگین تامین می کنند .

برای ایجاد این صنایع هر چند مکان نسبتاً وسیع ضروری است اما خاص بودن آن مکان ترجیحاً ضرورتی ندارد .

برای ایجاد صنایع سبک نسبت به صنایع سنگین

- ▶ نیاز به مکان نسبتاً وسیع می باشد .
 - ▶ ابزار ، وسایل و تجهیزات بسیار کمترین نسبت به صنایع سنگین نیاز دارد .
 - ▶ به سرمایه گذاری بسیار کمتری نسبت به صنایع سنگین احتیاج دارد .
 - ▶ همچنین در مقایسه با صنایع سنگین به نیروهای متخصص و کارگرهای کمتری نیاز دارد .
- مانند : کارخانجات مواد غذایی ، دارویی ، وسایل و لوازم الکترونیکی و ...

پ : صنایع کوچک

این صنایع که بیشتر شامل کارگاه های تولیدی می گردند تفاوت عمده ای با دو صنعت دیگر یعنی صنایع سنگین و سبک دارند .

برای ایجاد صنایع کوچک در مقایسه با صنایع سنگین و سبک

- ▶ این صنایع تنها نیاز به مکان مناسب دارند (چه در شهر و چه در روستا) .
 - ▶ به ابزار ، وسایل و تجهیزات بسیار کمی نیاز دارند .
 - ▶ برای ایجاد این صنایع به سرمایه گذاری بسیار کمی نیاز می باشد .
 - ▶ نیروی مورد نیاز در این صنعت بسیار کم و بجای متخصص (متخصص آکادمیک) بیشتر می بایست با تجربه باشند .
- مانند : کارگاه های پلاستیک سازی ، بلوک زنی ، تراشکاری و ...

ت : صنایع دستی

- صنایع چهارم صنایع دستی است که هم به صورت کارگاهی قابل اجرا است هم خانگی .
- برای ایجاد صنایع دستی در مقایسه با صنایع سنگین ، سبک و کوچک
- ▶ موقعیت مکانی برای ایجاد این صنایع چندان حائز اهمیت نمی باشد چرا که در هر مکانیچه شهر ، چه روستا ، چه مناطق عشایری و حتی در منازل قابل اجرا می باشند .
 - ▶ ابزار و وسایل مورد نیاز این صنعت بسیار محدود هستند .
 - ▶ برای تاسیس و راه اندازی صنایع دستی به سرمایه ای بسیار اندک نیاز است .
 - ▶ نیروی مورد نیاز در این صنعت بسیار محدود و بجای متخصص می بایست صنعتگر و هنرمند بود

با توجه به شرایط و ویژگی هایی که تولیدات صنایع دستی دارند لذا تاثیرات آنها به شکلی خاص در اقتصاد و فرهنگ جوامع مشهود است .

نقش آنها در جلوگیری از مهاجرت و بالا بردن سطح اشتغال ، ازدیاد در آمد سرانه ، تولید ملی ، توسعه صادرات ، توسعه گردشگری و مبادلات فرهنگی و ... از جمله ویژگی های محصولات صنایع دستی می باشند .

▶ 1- نقش صنایع دستی در بالا بردن سطح اشتغال

بی شک یکی از بزرگ ترین معضلات امروز جوامع بشری مسئله بیکاری و مهاجرت روستائیان به شهر و مردم شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ است .

مهاجرت هایی که تبعات بسیار ناگواری چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی برای کشورها در بر دارد .

خصوصاً مهاجرت روستائیان که بخاطر فصلی بودن کشاورزیشان مجبورند در فصول بیکاری برای کسب در آمد به شهرها یا مناطق دیگر مهاجرت کنند .

صنایع دستی با توجه به ویژگی ها و عدم محدودیتی که برای تولید در تمام مناطق شهری ، روستایی و مناطق عشایری در کلیه فصول سال دارد می تواند عامل مهمی در جهت ایجاد اشتغال و جلوگیری از مهاجرت آنان گردد .

▶ نقش صنایع دستی در ازدیاد در آمد سرانه

صنایع دستی یکی از کم هزینه ترین مشاغل برای دولت محسوب می گردد .

طبق برآوردها ، هزینه ایجاد اشتغال در صنایع دستی نسبت به صنعت با توجه به عدم نیاز به سرمایه زیاد ، آموزش فنی وسیع و همچنین سادگی تکنیک کار حدود $1/20$ است که این خود کمک بزرگی به دولت ها در جهت ایجاد اشتغال و ازدیاد در آمد سرانه می باشد .

► نقش صنایع دستی در تولید ملی

نظر به اینکه بیشتر مواد اولیه ، ابزار کار و نیروی انسانی مورد نیاز محصولات صنایع دستی از منابع داخلی تامین می شوند لذا اینگونه تولیدات نه تنها بار مالی (از نظر خروج ارز به خارج جهت تهیه مواد اولیه و ابزار کار) ندارد بلکه از ارزش افزوده بسیاری نیز برخوردار بوده و فروش این تولیدات اثر مستقیمی در تولید ناخالص ملی خواهد داشت .

► نقش صنایع دستی در توسعه صادرات

ایران هم چون بیشتر کشورهای در حال توسعه معمولاً اقتصادی تک محصولی دارد و با توجه به نیاز اینگونه کشورها به ورود مواد اولیه ، ابزار کار و حتی متخصصین صنعتی سبب می گردد تا کوچکترین تغییرات در بازارهای جهانی ، و یا تحریم ها و فشارهای بین المللی تهدیدی جدی برای اقتصاد این کشورها محسوب گردد .

و در این بین تنها محصولات صنایع دستی هستند که با توجه به شرایط ویژه برخی از آنها و صادر کردنشان به خارج می توانند نجات دهنده این کشورها از نابودی اقتصادی باشند .

► نقش صنایع دستی در توسعه گردشگری و مبادلات فرهنگی

از گذشته های دور تا کنون انسان ها (خصوصاً گردشگران) همیشه در سفرهایشان به دنبال کالاهایی بوده اند که بتوانند با داشتن آنها خاطرات سفر را برای خود ، همیشه زنده نگه دارند .

و در این میان محصولات صنایع دستی با توجه به داشتن ریشه در فرهنگ هر ملتی که خود مبین آداب ، رسوم ، سنن ، اعتقادات ، و خصوصیات اجتماعی آنهاست نقش مهمی در جذب و توسعه گردشگری (داخلی و خارجی) ایفا می نماید .

این مهم نه تنها به توسعه گردشگری در مناطقی که دارای تولیدات صنایع دستی می باشند می گردد بلکه انتقال این کالاها توسط گردشگران به اقصاء نقاط دنیا سبب آشنایی هر چه بیشتر آنها با فرهنگ و داشته های هنری - صنعتی نیز می گردد .

✱ صنایع دستی چگونه بوجود آمد

شاید بتوان تولد صنایع دستی را از زمانی دانست که انسان های اولیه برای رفع نیازهای زندگی خود و زنده ماندن (شکار حیوانات) مجبور شدند به سنگ ها حالت دهند و از آن سنگ های سخت و بی جان ابزاری تیز و برنده بسازند .

پس می توان با توجه به این فرضیه چنین استنباط کرد که انسان ذاتاً موجودی صنعتگر می باشد . و تغییراتی که بر روی اجسام صورت می داده نه از روی غریزه بلکه با فکر و آگاهانه و برای رفع نیازهایشان بوده است .

هر چند با توجه به قدرت تفکر محدودی که آن انسان ها داشتند قرن ها و قرن ها طول کشید تا بتوانند ابزاری بسازند که بیشتر و بهتر نیازهایشان را برآورده سازد .

البته هر چند تغییر اجسام برای رفع نیازهای زندگی (که به نوعی صنعت نامیده می شود) به صورت آگاهانه صورت می گرفت اما ایجاد هنر بر روی آن ابزار چیزی جز یک احساس غریزی نبود .

چرا که هنر در ذات انسان نهفته است و انسان ها زیبایی را دوست دارند و هنر زیبایی می آفریند .

به همین دلیل انسان های اولیه با توجه به داشتن هنر در ذات خود ، علاقه مندی به زیبایی و همچنین زمان کافی ، تفکرات و اندیشه های خود را که برگرفته از اعتقادات و نوع اجتماع و زندگیشان بود به شکلی هنری بر روی اجسامی که به منظوری خاص تغییر شکل داده بودند ایجاد می نمودند .

و شاید مشاهده ترکیب هنر و صنعت در بیشتر دست ساخته های بشر سبب گردیده که برخی معتقد به آن باشند که هنر و صنعت دو پدیده ترکیبی هم زمان و هم زاد هستند .

هر چند این مسئله تا حدودی قابل تامل و تعمق است چرا که انسان ابتدا برای رفع نیازهای زندگی خود با ساخت ابزاری صنعتگر گردید و سپس بدلیل علاقه به زیبایی ها و بروز دادن اندیشه هایش با خلق هنر بر روی آن ابزار هنرمند گردید .

✱ جایگاه محصولات صنایع دستی در بین مردم

محصولات صنایع در همه ادوار چه از نظر کاربردی و چه از نظر هنری از جایگاه خاصی در بین مردم برخوردار بوده است .

چرا که این محصولات نه تنها رفع کننده بخش مهمی از نیازهای اساسی و کاربردی زندگی مردم بوده اند بلکه از نظر روحی و احساسی هم به انسان ها کمک کرده اند .

و نه تنها این دو مهم از ویژگی های محصولات صنایع دستی می باشد بلکه این محصولات بدلیل بار هنری – کاربردی خاص و منحصر به فردی که داشته اند به نوعی به مردم و منطقه ها هویت می بخشیدند .

مثلاً یک کالای کوچک صنایع دستی می توانست در طی زمان معرف فرهنگ و هنر یک قوم ، منطقه و یا کشور گردد .

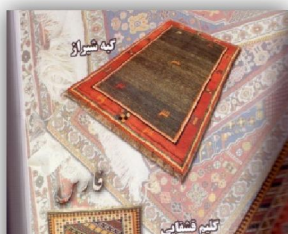
حتی برخی از محصولات مانند گلیم ، قالی ، معرق ، منبت ، قلمزنی و ... که در بسیاری از مناطق و کشورها تولید می شوند و از نظر مواد و مراحل ساخت دقیقاً و یا تقریباً شبیه هم هستند اما به سبب بهره گیری از طرح ها و نقوش خاص خود هر کدام معرف مردم و منطقه ای خاص می باشند .

مثال : گلیم قشقایی – شیشه ونیزی –

خاتم شیراز – ابریشم چینی – شال

قالی ایرانی – منبت آباده –

کشمیری و ...



اما گذشت زمان و تغییراتی که در جوامع مختلف ایجاد گردید سبب شد تا برخی از محصولات صنایع دستی به فراموشی سپرده شده و برخی دیگر مجبور به طی نمودن این راه گردند .

اما عوامل این تغییرات چه چیزهایی بودند ؟

از مهم ترین عواملی که سبب این اتفاقات گردیده اند می توان به ورود تکنولوژی ، تغییر سلیقه مردم (خصوصاً جوانان) و مد گرایی اشاره نمود .

امروزه با توجه به پیشرفت زیادی که در تکنولوژی صورت گرفته سبب شده کالاهای صنعتی که به نوعی هم متنوع تر هستند و هم از نظر قیمت مناسب تر جایگزین کالاهای سنتی گردند .

هر چند این کالاها دیگر دارای آن بار هنری که برگرفته از تفکرات و اندیشه های سازنده است ندارد و محصولات به صورت سری و دقیقاً شبیه به یکدیگر توسط ماشین های صنعتی تولید می شوند .

تغییر در سلیقه مردم و مد گرایی که یکی دیگر از دست آوردهای بشر خصوصاً در چند صده اخیر می باشد سبب گردیده تا نگرش ها به استفاده از این کالاها تغییر یابد و مصرف کننده محصولاتی گردند که صنعت تولید کننده آن است .

*** تعاریفی از هنرهای سنتی و صنایع دستی منسوخ شده - در حال منسوخ شدن و رایج (فعال)**

اما ببینیم واقعاً چه محصولاتی را می توان جزو هنرهای سنتی و صنایع دستی منسوخ شده - در حال منسوخ شدن و رایج دانست .

صاحب نظرها دارای دیدگاه های مختلفی در این باره هستند .

برخی از آنها مبنا را تعداد کارگاه های فعال می دانند ، برخی دیگر تعداد صنعتگران فعال و برخی تعداد تولیدات .

اما نکته مهم و حائز اهمیت آن است که ما نمی توانیم این تعاریف را برای کل مناطق یک کشور در نظر بگیریم و می بایست نگاهی منطقه ای به آن داشته باشیم .

مثلاً زمانی هنر **مینا کاری** در شیراز بسیار رایج بود اما اکنون حتی یک صنعتگر در این هنر زیبا فعالیت ندارد در عوض صنعتگران بسیاری در این هنر در اصفهان فعالیت می کنند .

یعنی هنری که در شیراز منسوخ شده در اصفهان جزو هنرهای فعال و رایج محسوب می گردد .

اما محصولاتی هم هستند که در گذشته در بسیاری از مناطق رایج بوده اند اما اکنون در کل کشور فعالیتشان از بین رفته مثل **شمشیر سازی** یا **قفل سازی** .

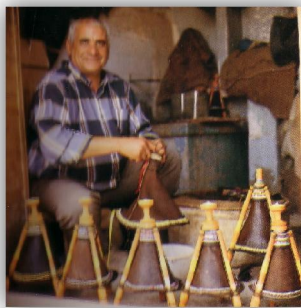
و یا **هنر دو اتگری** که در گذشته جزو رشته های رایج استان فارس (خصوصاً شیراز) بوده امروزه تنها محدودی صنعتگر آن هم برخی مواقع و بر حسب سفارشات می دارند در این رشته فعالیت می کنند .

با این تفصیل می توان تعاریف را چنین عنوان نمود :

► **منسوخ شده (از بین رفته)** : به آن دسته از کالاها (یا رشته های صنایع دستی) گفته می شود که به خاطر نوع کاربردها در گذشته و تغییرات عمده ای که از نظر تکنولوژی و فن آوری های متعددی که در زندگی امروزی بوجود آمده نه تنها دیگر هیچ صنعتگری به تولید آن مبادرت نمی ورزد بلکه جایگاهی در بین مردم نیز ندارند .

چون : شمشیر سازی ، قفل سازی و ... به این نوع تولیدات ، تولیدات از بین رفته یا منسوخ شده می گویند .

► **در حال منسوخ شدن (نیمه فعال)** : کالاهایی هستند که به خاطر تغییر سلیقه و شیوه زندگی مردم تولید آنها یا کم شده و یا اینکه تغییراتی در مواد مصرفی آنها صورت گرفته و از مواد سنتی در ساخت آنها کمتر استفاده می گردد و یا به عبارتی می توان گفت از حالت کالای مصرفی فعال به کالای موردی و تزئینی تبدیل شده اند .
مانند : دولچه و ...



► **رایج (فعال)** : کالاهای رایج کالاهایی هستند که هنوز بخشی از نیاز جامعه را تامین می کنند جزو کالاهای مصرفی محسوب می گردند لذا دارای تولید انبوه بوده و از بازار فروش خوبی هم برخوردار می باشند .

مانند : قالی ، گلیم ، خاتم ، کاشی هفت رنگ ، قلمزنی ، معرق ، منبت و ...

► البته برخی از کالاها هر چند مورد نیاز مردم عادی نبوده و شاید در بازار هم موجود نباشند ولی با توجه به مصرف و کاربرد آنها در اماکن تاریخی و جهت مرمت آثار ، بصورت سفارشی تولید می گردند که این نوع تولیدات نیز در گروه کالاهای رایج قرار می گیرند .

مانند : مقرنس کاری ، رسمی بندی ، گره چینی و

✱ طبقه بندی صنایع دستی

با توجه به تنوع و تعدد بسیار زیاد محصولات صنایع دستی برای تفکیک و مشخص کردن آنها ، روش طبقه بندی در نظر گرفته شده است .

در این روش آن دسته از محصولاتی که از نظر مواد اولیه یا نحوه تولیدشان شبیه هم هستند در یک طبقه قرار گیرند .

این طبقه بندی سبب گردیده که با توجه به تعداد زیاد رشته ها و محصولات صنایع دستی براحتی بتوان آنها را از یکدیگر تفکیک و جدا نمود .

مثلاً:

محصولاتی همچون **قالی ، گلیم ، گبه** و ... که بافت آنها به وسیله ابرازی (چهار چوبه ای) چوبی یا فلزی به نام دار صورت می گیرد در طبقه **بافته های داری** قرار داده شده اند .

و یا محصولاتی مانند **ترمه ، دارائی ، شال** و ... که به کمک دستگاه های بافندگی بافته می شوند در طبقه **نساجی سنتی** قرار می گیرند .

هنرهای **خاتم سازی ، معرق چوب ، منبت سنتی ، مشبک چوب** و ... که مواد اولیه اصلی همه این رشته ها **چوب** می باشد در طبقه **هنرهای مرتبط با چوب** قرار گرفته اند .

✱ گروه بندی صنایع دستی

در گذشته محصولات صنایع دستی را با توجه به نوع کاربری آنها به سه دسته هنری ، مصرفی و هنری – مصرفی تقسیم می کردند .

آنها تولیداتی را که صرفاً جنبه تزیینی و هنری داشتند و هیچ کاربرد مصرفی نداشتند جزو گروه محصولات هنری قلمداد می کردند .

مانند: انواع اشیاء تزیینی حجمی و تصویری ، نقاشی و مینیاتور ، خط و کتابت و ...

و تولیداتی که تنها به منظور رفع نیازهای روزمره زندگی ساخته می شدند جزو گروه مصرفی قرار می گرفتند .

مانند : انواع محصولات سفالی ، انواع بافتنی ، مصنوعات حصیری و ...

و نهایتاً تولیداتی که علاوه بر داشتن جلوه ها و ارزش های هنری دارای جنبه مصرفی و کاربردی نیز بودند بعنوان کالاهای هنری – مصرفی تلقی می کردند .

مثل : فرش ، گلیم ، انواع سوزندوزی ها ، مصنوعات شیشه ای ، سرامیکی و فلزی و ...

اما امروزه با تغییراتی که در جوامع بوجود آمده و تغییر یافتن سلیقه مردم (خصوصاً جوانان) دیگر نمی توان این گروه بندی را به عنوان یک اصل پذیرفت .

چنانچه امروزه در بسیاری از اماکن و منازل شاهد هستیم که بسیاری از کالاهایی که با آن دیدگاه صرفاً به عنوان کالاهای مصرفی تلقی کرده اند ، بعنوان کالاهای تزیینی مورد استفاده قرار می گیرند .

همچون تزیین کردن اماکن با محصولاتی چون **دولچه ، حصیر ، آفتابه و لگن** و

امروزه با توجه به ماهیت محصولات صنایع دستی آنها را به گروه های مختلف تقسیم بندی نموده اند و هر گروه دارای چندین رشته و هر رشته از چندین زیر رشته تشکیل شده است . مبنای این گروه بندی دقیقاً منطبق با شرایط و دیدگاهی است که در طبقه بندی منظور گردیده . مثلاً :

بافته های داری و غیر داری به عنوان یک گروه محسوب گردیده اند. و قالی بافی - گلیم بافی - شیشه درمه بافی - نمد مالی و به عنوان رشته های آن گروه و چننه بافی ، گبه بافی ، نمکدان بافی و ... زیر رشته قالی بافی پلاس بافی ، چننه بافی ، رند بافی ، ورنی بافی و ... زیر رشته گلیم بافی و کلاه مالی و تولیدات نمدی زیر رشته نمد مالی قرار دارند .

❖ مهم ترین موانع توسعه و تاثیرگذاری تولیدات صنایع دستی در اقتصاد کلان کشورها

(خصوصاً کشورهای جهان سوم)

اما چرا با توجه به تمام محسناتی که محصولات صنایع دستی دارند و بیشتر کشورها خصوصاً کشورهای جهان سوم با داشتن قشر عظیم صنعتگر و انبوه ای از این تولیدات هرگز نتوانسته اند بهره گیری مناسبی از آنها داشته و اقتصاد خود را رونق و بهبود بخشند .

برای پی بردن به علل این عدم تاثیری گذاری در کشورهای جهان سوم و کم توسعه یافته می بایست به چند فاکتور مهم اشاره نمود .

1- کوچکی و پراکندگی واحدهای تولیدی و مشکل رساندن خدمات به آنها .

کوچکی کارگاه های تولیدی (با توجه به اینکه بسیاری از این کارگاه ها خانگی هستند و تولیدات در خانه ها صورت می گیرد) و پراکندگی آنها (نظر به اینکه بسیاری از این محصولات در روستاها و مناطق عشایری تولید می شوند) لذا نبود یک انسجام منظم جهت تولید ، جمع آوری ، عرضه و فروش از معطلاتی است که صنعتگران در این کشورها با آن دست بگریبان هستند .

2- ضعف بنیه مالی صنعتگران و دخالت واسطه ها .

ضعف بنیه مالی بیشتر صنعتگران محصولات صنایع دستی و ناتوانی آنها در داشتن ارتباط مستقیم با بازار فروش (بدلیل بُعد مسافت و ضعف مالی) سبب گردیده تا واسطه ها بیشترین نقش را در کسب درآمد داشته باشند و تولید کننده کمترین بهره را از زحمات خود کسب نماید .

3- عدم آگاهی و اطلاع صنعتگران از شیوه های جدید تولید و سلیقه ی متعدد مصرف کنندگان .

پراکندگی و دوری مراکز تولید از بازارهای هدف و همچنین نوع زندگی اجتماعی این صنعتگران سبب گردیده تا تولید کنندگان کمتر در جریان سلیق مشتریان و تغییرات بازار قرار گیرند و نتوانند محصولات مورد نیاز مشتریان را تهیه نمایند .

4- عدم نوآوری .

تغییر سلیق مردم باعث شده بسیاری از کالاهایی که زمانی بیشترین کاربرد را داشتند دیگر مورد استفاده قرار نگیرند و می بایست با یک نوآوری تغییراتی در آنها داده شود تا دوباره مورد استقبال و مصرف قرار گیرند که متأسفانه به دلایل ذکر شده هیچگونه نوآوری در این تولیدات صورت نمی پذیرد و یا بندرت انجام می گیرد که این میزان کم هم نمی تواند در بازار رقابت با مصنوعات صنعتی مثرتر باشد .

5- عدم آشنایی با شیوه های مدرن بازاریابی .

عدم آشنایی بیشتر تولید کنندگان اینگونه محصولات به بازاریابی و تبلیغات مدرن می باشد که سبب می گردد این کالاها از چرخه معرفی خارج بمانند .

6- رقابت شدید مصنوعات مشابه صنعتی (به ویژه مصرفی) .

در این میان رقبای جدید که همانا تولید کنندگان صنعتی هستند با بهره گیری از دانش روز بازاریابی و تبلیغات توانسته اند بیشتر سهم بازارهای هدف را از آن خود سازند .

7- موازی کاری سازمان های دولتی و سیاست گذاری های شخصی .

یکی دیگر از معضلاتی که محصولات صنایع دستی با آن مواجه می باشد موازی کاری برخی از سازمان های دولتی در امر صنایع دستی و اتخاذ تصمیمات شخصی بدون داشتن تخصص لازم و کافی در این امور می باشد .

اما راه کار چیست ؟

شاید تنها و یا یکی از بهترین راه های نجات دادن این محصولات و تولید کنندگان آنها و به تبع کمک به اقتصاد خیل عظیمی از خانواده ها و همچنین دولت آن باشد که :

1- دولت و سازمان های دولتی نقش و دخالت مستقیم خود را در این عرصه کم نموده و در عوض تلاش کنند تا بخش خصوصی بدور از هرگونه بروکراسی اضافی و دست و پا گیر امکان ایجاد یک اتحادیه یا صنف قوی را فراهم نماید .

2- دولت و سازمان های دولتی با آگاهی دادن به صنعتگران و تسهیل نمودن امور اداری کمک کنند تا کلیه صنعتگران راغب به ایجاد تعاونی هایی چند منظوره (تهیه ، تولید و فروش) گردند .

3- تلاش در آگاه ساختن تعاونی ها از فواید زیر چتر حمایتی اتحادیه یا صنف قرار گرفتن .

4- دولت و سازمان های دولتی در امر آموزش اصولی و بازاریابی داخلی و خارجی اتحادیه یا صنف را حمایت نماید .

چنانچه این مهم که در بسیاری از کشورها بر روی کاغذ نوشته شده و به صورت قانون درآمده ولی در عمل تغییر یافته ، اجرایی گردد می توان امید داشت که گره بزرگی از زندگی این تولید کنندگان و اقتصاد کشورها باز گردد .

وظایف دولت :

- ✱ تسریع روند تاسیس تعاونی ، اتحادیه و صنف .
- ✱ کمک به آموزش صحیح و اصولی به تولید کنندگان .
- ✱ آموزش صحیح به صنعتگران در راستای مزایا و محسنات تعاونی ها .
- ✱ کمک به بازاریابی و شناخت بازارهای جهانی به اتحادیه ها .
- ✱ کمک به اتحادیه ها در تهیه مواد اولیه و ابزار مورد نیاز .

وظایف اتحادیه ها :

- ✱ هدایت صنعتگران به ایجاد تعاونی .
- ✱ تحت پوشش درآوردن تعاونی ها .
- ✱ بازاریابی جهت محصولات مورد نظر .
- ✱ ارائه اطلاعات به تولید کنندگان .
- ✱ همکاری در تهیه مواد اولیه مرغوب و ابزار کار تعاونی ها (صنعتگران) .
- ✱ کمک به ایجاد نوآوری در تولیدات (با حفظ اصالت ها) .
- ✱ جمع آوری ، عرضه و فروش تولیدات تعاونی ها .
- ✱ معرفی معصولات در نمایشگاه های داخلی و خارجی .

✱ نقش پژوهش در ارتقاء تولیدات صنایع دستی

متأسفانه چنین که به نظر می رسد نقش تحقیق و پژوهش به مفهوم واقعی خود در زمینه صنایع دستی برای برخی از کشورهای در حال توسعه (خصوصاً ایران) هنوز تفهیم نگردیده است . تحقیق و پژوهش در اصل کمک می کند تا نه تنها نواقص کار بلکه راه های رسیدن به اهداف مشخص گردد .

البته برای نتیجه مطلوب گرفتن از هر پژوهشی سه فاکتور مهم نیاز می باشد .

این سه فاکتور عبارتند از تخصص ، زمان و اعتبارات مالی .

پژوهش ها در دو حوزه اصلی صورت می گیرد

پژوهش میدانی و پژوهش کتابخانه ای

در حوزه پژوهش های کتابخانه ای متاسفانه پژوهشگران نمی توانند زیاد موفق باشند چرا که منابع کتابخانه ای موصوف که اطلاعات آن بر پایه و اساس یک تحقیق اصولی و میدانی و توسط کارشناسان خبره و اهل فن صورت گرفته باشد بسیار محدود است و در بیشتر کتاب های موجود با نقایص و تناقض های فاحشی مواجه می گردیم که جای بسی تأمل دارد .

و متاسفانه همین کتاب ها به عنوان منابع و ماخذهای اطلاعاتی جهت مقاله های تحقیقاتی و پایان نامه ها مورد استفاده بسیاری از دانشجویان قرار می گیرد که خود به نوعی آفتی در ترویج اطلاعات نادرست است .

اما در حوزه پژوهش های میدانی :

خوشبختانه در اقصی نقاط ایران ، کارگاه های تولیدی محصولات صنایع دستی مشغول به فعالیت می باشند که می توان با مراجعه به آنها و بررسی روند تولید به استفاده از مواد اولیه مصرفی و نحوه ساخت و تولید اشراف یافت .

اما نکته حائز اهمیت در تحقیق میدانی محصولات صنایع دستی تفاوت هایی است که امروزه در شیوه تولید برخی از این محصولات صنایع دستی بکار برده می شود .

لذا برای پی بردن به اصول صحیح این نوع از تولیدات ابتدا می بایست شیوه تولید چند تن از صنعتگران پیشکسوت مورد بررسی قرار داد و سپس شیوه تولید چند تن از صنعتگران جوان را .

در نهایت اختلافات را مشخص و دلایل تغییر شیوه ها را مورد بررسی کارشناسانه قرار گیرد .

در تحقیقات میدانی ، صنعتگران خصوصاً صنعتگران پیشکسوت می توانند منابع موثری جهت کسب اطلاعات تاریخیچه ای از تولیدات باشند .

بخش دیگر تحقیقات میدانی بررسی نقش و اهمیت آن تولیدات در زندگی مردم می باشد که با مراجع به مراکز تولید ، بازارهای فروش و نمایشگاه ها و آگاهی یافتن از محصولات پر فروش می توان تا حدودی به اینمهم پی برد .

تنظیم فرم های خاص جهت نظر سنجی از مردم و خانوارها مرحله دیگری از پی بردن به اهمیت و نقش محصولات صنایع دستی در جوامع مختلف می باشد .

❁ روش های بازاریابی و معرفی محصولات صنایع دستی

در گذشته به دلیل محدودیت تنوع تولیدات ، نوع زندگی و نگرش مردم ، بیشتر مردم تابع تولید کنندگان بودند و مبادرت به خرید و تهیه محصولاتی می کردند که تولید می شد و در بازار موجود بود . اما امروزه این روش به دلیل تغییر در نگرش مردم ، سلاقی ، تنوع بسیار در تولیدات و خصوصاً ورود رقیب سرسختی به نام محصولات صنعتی کاملاً تغییر یافته و تولید کنندگان تابع مصرف کنندگان گردیده اند .

اما چگونه یک تولید کننده می تواند به سلايق و نظرات مشتريان كه تعداد آنها به هزاران و ميليون ها نفر می رسد آگاهی يابد ؟

شايد موثرترين راه برای آگاهی يافتن به اين مهم شركت در نمايشگاه های داخلی و خارجی و عرضه محصولات می باشد .

جایی كه خيل عظيمی از مردم با سلايق و دیدگاه های مختلف به آنجا می آیند و نظرات آنها بهترين پاسخ به سؤال صنعتگران و توليد كنندگان است كه پی ببرند بیشتر مردم خواستار چه نوع توليدی می باشند . البته شايد برای بیشتر صنعتگران و توليد كنندگان محصولات صنايع دستی حضور در اين نمايشگاه ها به دلایل مختلف خصوصاً داشتن بار مالی زياد ، بُعد مسافت ، عدم آشنایی به زبان های بيگانه و ... امکان پذير نباشد .

كه در اين صورت ايجاد تعاونی و ملحق شدن به يك اتحاديه و معرفی محصولات از طريق اتحاديه در اين نمايشگاه ها مناسب ترين راه برای رسيدن به هدف باشد .

تبليغات رسانه ای خصوصاً از طريق سايت های اينترنتی روش ديگری از معرفی محصولات به مردم می باشد .

هر چند تاثير حضور در نمايشگاه ها بسيار بیشتر از تبليغات رسانه ای است ، چرا كه در نمايشگاه ها مردم می توانند با مشاهده محصولات از نزديك و صحبت كردن با شما به صورت مستقيم به كيفيت و نوع محصولات پی برده و شما نيز از نقطه نظرات آنها آگاهی يابيد .

✱ معرفی برخی از محصولات صنايع دستی استان فارس

ادامه دارد